

شرق

روزنامه

در آستانه کریسمس کودکان دانمارکی با بابائول که به‌خاطر پروتکل‌های بهداشتی در حبای نشسته است، دیدار می‌کنند. عکس: Ritazu Scanpix, Reuters **نور نوشت**



زیر پوست شهر

ما و دوران طولانی حزن

مناسب استرس، نگرانی و استمار خستگی مزمن می‌شود که خود جالش بزرگی برای روابط خانوادگی و اجتماعی است.

دیدارهای خانوادگی و رفت‌وآمدهای اقوام و خویشاوندان با یکدیگر یکی از مفیدترین ارتباطات اجتماعی و آرام‌بخش دل‌ها و بسیار انرژی‌زا است که متأسفانه به‌دلیل بیماری کرونا اکنون ماه‌هاست که دیدوبازدیدي انجام نمی‌شود و مردم از تأثیرات بسیار مثبت آن محروم هستند. انسان اصولاً موجودی اجتماعی است که شوربختانه اکنون ناچار به رعایت فاصله اجاره محل کار و اقساط وام‌هایشان نیستند. این موضوع علاوه بر پیامدهای اقتصادی موجب بروز تنش‌های افراد با یکدیگر و طرح موضوع در محاکم و مراجع قضائی شده و اثرات منفی بر بهداشت روانی و روابط خانوادگی آنان می‌گذارد. از سویی محدودیت برگزاری مراسم ختم و سوگ فوت‌شدگان موجب طولانی‌شدن دوران حزن و اندوه بازماندگان می‌شود که می‌تواند به پایداری حالت افسردگی در افراد حساس منجر شود. از سوی دیگر، برگزارینشدن مراسم جشن ازدواج و عروسی‌ها باعث تعطیلی کسب‌وکار برگزارکنندگان این مراسم و مشاغل مرتبط با آن شده است. با قطع درآمدهای آنان بروز ناملایمات در زندگی خانوادگی و اجتماعی آنان شدت می‌یابد. همچنین برگزار نشدن ازدواج‌ها و پیش‌نیا‌های آن مردم را از شرکت در یک‌سری مراسم مفرح و شادی‌بخش و دیدار با بستگان و آشنایان باز داشته است. درحالی‌که شرکت در این مراسم باعث شادابی زندگی و تقلیل و ازبین‌رفتن استرس و فشارهای زندگی است. سینما، تئاتر، گالری و همچنین مراکز تفریحی دیگر کارکرد بسیار مهمی در شادابی مردم، کاهش خستگی روزانه افراد و فشارهای زندگی دارد؛ تعطیلی طولانی‌مدت آنها باعث تخلیه‌نشدن



• **نبی‌اله عشقی‌ثانی**

ابتلای همه‌روژه هزاران نفر افراد جدید به کرونا و افزایش بسیار زیاد بستری‌شدگان در بیمارستان‌ها، اختصاص تمام یا بیشتر بخش‌های مراکز درمانی به بیماران مبتلا به کرونا و فرونی‌گرفتن روزانه تعداد فوت‌شدگان کووید۱۹، ابتلای تعداد زیادی از کادر پزشکی به کرونا و درگذشت تعداد قابل ملاحظه‌ای از آنان، همه خبرهای بسیار تلخی است که خبرگزاری‌های رسمی و شبکه‌های مجازی هر روز مخابره می‌کنند. ابتلای ۵۹ میلیون نفر در جهان به کرونا و فوت یک‌ونیم میلیون نفر از آنها واقعا استرس‌زا، نگران‌کننده و بسیار حزن‌انگیز بوده و نشان‌دهنده ناتوانی سیستم بهداشت و درمان جهان برای مقابله با کووید۱۹ است. تکرار مکرر این آمار و خبرها تدریجا روح و روان مردم را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این به معنی زنگ خطر و اعلام آماده‌باش عمومی برای مواجهه با پیامدهای روحی و روانی و وحشتی است که کرونا در جهان به وجود آورده است. پیامدهایی که در طولانی‌مدت باید منتظر تأثیرات مخرب آن بر زندگی معمول مردم باشیم؛ اگرچه از هم‌اکنون نیز آثار منفی آن خود را نشان داده‌اند.

در آینده با افراد زیادی روبه‌رو خواهیم شد که دچار اضطراب یا افسردگی مزمن شده‌اند. مردم و دولت باید از هم‌اکنون خود را برای مقابله با آن آماده کنند. سبقت‌گرفتن شبکه‌های خبری از یکدیگر برای انعکاس گزارش اخبار فجایع جولان ویروس عالم‌گیر کرونا باعث افزایش حجم و عمق اخبار منفی شده است. در این بین

اتفاق

مخترع جوان «کودک سال» تایم

یک سال پس از آنکه مجله تایم «گرتا توبیرگ» را به‌عنوان شخصیت سال انتخاب کرد، بار دیگر یک کودک به عنوان شخصیت سال روی جلد این مجله قرار گرفته است. این‌بار برای عنوان سالانه‌ای که اولین‌بار است از سوی تایم انتخاب می‌شود، مجله تایم «گیتانجالی رانو» را به عنوان «کودک سال» انتخاب کرد. این کودک که پیش‌تر عنوان جوان‌ترین مخترع ایالات متحده آمریکا را هم به خودش اختصاص داده بود، فناوری‌هایی را



ایده‌هایی باشد که به حل مشکلات جهان منجر شوند: «اگر من توانستم، هر کس دیگری هم می‌تواند». مجله تایم همچنین به مناسبت این انتخاب مصاحبه‌ای با این مخترع جوان توسط آنجلینا جولی انجام داده است. آنجلینا جولی سال‌هاست که به عنوان فعال حقوق کودکان شناخته می‌شود. رانو در این مصاحبه به آنجلینا جولی می‌گوید که شبیه دانشمندان معمولی نیست: «هر چه در تلویزیون می‌بینم این است که دانشمند یک

سال» را پایه گذاشته است. تایم در توضیح این عنوان جدید آن را «شخصی برای ظهور نسل جوان‌تر رهبران آینده آمریکا» خوانده است. با این حال انتخاب «گیتانجالی رانو»، مانند انتخاب «گرتا توبیرگ» با واکنش‌های منفی فراوانی هم مواجه شد. بسیاری از فعالان حقوق کودکان چنین انتخاب‌ها و عناوینی را مناسب کودکان و دنیای آنها نمی‌دانند و آن را جهت‌دهی خاص به کودکان و ازبین‌بردن دنیای کودکی آنها می‌دانند.

www.sharghdaily.ir

یکشنبه ۱۶ آذر ۱۳۹۹ • ۲۰ ربیع‌الثانی ۱۴۴۲ • ۶ دسامبر ۲۰۲۰
سال هجدهم • شماره ۳۸۸۲ • ۱۲ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۱:۵۵ • اذان مغرب ۱۷:۱۱
اذان صبح فردا ۵:۳۱ • طلوع آفتاب ۷:۰۱

fardashargh@gmail.com

روزنامه‌فرو

مغز اجتماعی-۱۴۲

نفس‌های آخر



• **عبدالرحمن نجل‌رحیم مغز پڑوه**

در دنیای عجیبی زندگی می‌کنیم. یکی از دلایل عجیب‌بودن زندگی در شرایط امروز این است که هر لحظه گمان می‌کنیم داریم نفس‌های آخر را می‌کشیم. مرگ را بارها و بارها تجربه می‌کنیم. در این شرایط، زیستن به نوعی در زجر و انتظار مردن بدل می‌شود. اگر یادتان باشد پنج سال پیش کارزاری برای سرعت‌بخشیدن به پژوهش درباره بیماری «ا.ا.اس»، بیماری لاعلاجی راه افتاد که اعصاب ساقه مغز و نخاع مربوط به حرکت ازجمله نفس‌کشیدن را از کار می‌انداخت. جدیداً یکی از پایه‌گذاران آمریکایی این کارزار، پاتریک کوین، در ۳۷سالگی، پس از هفت سال مبارزه با این بیماری از نفس افتاد و از دنیا رفت. کارزاری که پاتریک کوین به اتفاق پیتز فراتز که سال گذشته در ۳۴سالگی به علت همین بیماری از دنیا رفت، پایه گذاشت، کارزار سطل آب یخ بود. این کارزار هوشمندانه فقط برای پول‌جمع‌کردن جهت پژوهش درباره یافتن علت و درمان این بیماری نبود، بلکه جلب آگاهی از طریق ایجاد هم‌احساسی با شرایط وحشتناک زندگی این بیماران بود. احساس مکرر قطع‌شدن نفس، احساس خفگی، مثل وقتی که یک سطل آب یخ روی سرت خالی کنند و احساس کتی که نفست دارد بند می‌آید و اضطراب دم مرگ پیدا کنی. به عبارتی پیام این کارزار، بیدارکردن وجدان جهان برای توجه به شرایط این بیماری، احساس مکرر ازنفس‌افتادن، در اوج آگاهی و شعور و جوانی بود؛ اما تنها بیماری «ا.ا.اس» با علت نامعلوم نیست که ساقه مغز را معیوب و نفس مبتلایان را به شماره می‌اندازد. به هوای آلوده جهان توجه کنید که ۹۰ درصد مردم را هر روز به تنگی نفس می‌اندازد. فقط در تهران، یکی از بزرگ‌ترین شهرهای دنیا، با وخیم‌ترین وضع آلودگی و وارونگی هوای زمستانی در جهان، تعدادی به علت آلودگی هوا می‌میرند. درعین‌حال، عده کثیری نیز در سنین کودکی و کهن‌سالی، به علت آلودگی هوا زجرکش می‌شوند؛ زیرا ساقه مغزشان ضعیف و نفس‌هایشان منقطع می‌شود و به انواع بیماری‌های مختلف ریوی، قلبی، خونی، ایمنی و مغزی مبتلا می‌شوند. اینها مرگ تدریجی خاموش است. سروسو‌دایی راه نمی‌اندازد. اغلب هم کارزاری تأثیرگذار برایشان راه نمی‌افتد، فریادی در نمی‌آید که چگونه مردم این شهرها در حین زندگی، دم به دم، از نفس می‌افتند. ویروس کرونا که آمده وضع را بغرنج‌تر کرده است. حالا ازنفس‌افتادگان یک بیماری در حال زندگی می‌بینیم که هرکدامشان یک سی‌تی‌اسکن به دست دارند و در سطح شهر پریشان‌احوال روان هستند و نگران‌اند که نکند نیمه‌شب‌ی یا دم‌صبحی نفشان‌شان کاملاً قطع شود و در زمره آمار بالای مردگان روزانه قرار گیرند. در این شرایط سخت، ویروس کرونا می‌تواند در بدن بعضی‌ها نظام ایمنی را چنان آشفته کند که اعضای مختلف بدن را دچار آماس مرگ‌آور کند؛ چنان که گاهی ندانیم این ورم ساقه مغز است که ریه را از کار می‌اندازد یا ریه آماس کرده که ساقه مغز را در تنظیم تنفس بی‌کاره می‌کند. به عبارت دیگر، با اضافه‌شدن همه‌گیری ویروس کرونا، یک عامل نفس‌گیر دیگر هم به شرایط آلودگی هوا اضافه شده است. به این دلیل هم نباید از مرگ‌ومیر بالای کرونایی در هوای وارونه زمستانی تهران تعجب کنیم. این همان حلقه معیوبی است که دائم نفس ما را

تنگ و تنگ‌تر می‌کند و هر نفسی را همچون آخرین نفس می‌کند. قصه به همین‌جا ختم نمی‌شود. حمله‌های هراس‌زدگی مرگ‌بار (پانیک)، «جرحه شورش» علت محیطی اجتماعی ازجمله ترس و اضطراب از مرگ بر اثر ابتلا به کرونا، خود عامل تشدیدکننده

اختلال ریتم فعالیت ساقه مغز، نفس‌تنگی و هراس از مرگ به علت ازنفس‌افتادن است. چیزی که این روزها شایع است و خودش می‌تواند مرگ به علت شتاب‌زدگی در درمان بیماری‌های تنفسی، حتی تحت نظر پزشکان حاذق را افزایش دهد. تعجب نکنیم در جامعه آشفته‌ای که در آن احساس امنیت، اعتماد و امید به آینده کم شده باشد، به‌درستی نفس‌کشیدن کار دشواری می‌شود. این حوادث در همه سطوح، ضربه‌هایی ویران‌کننده به سرتاسر سوزه - بدن ما می‌زند. همین شرایط است که ساقه مغزمان را ناتوان از ساختن ریتم سالم هماهنگ‌کننده نفس‌هایمان می‌کند. مطب‌ها و درمانگاه‌های شهرها پر از مریض‌های با علائم عجیب و غریب ذهنی ناشی از بدفنس‌کشیدن حاصل از حمله‌های هراس مرگ‌بار (پانیک) است.

این همه نشان می‌دهد که ساقه مغز در بدن ما مرکز دایره حیات، هماهنگ‌کننده ریتم زندگی برای نفس‌کشیدن است. ذهنیت ما زاده این بدن‌مندی است و بخشی از زیست جهان ما حاصل تجربه‌ای مشترک با دیگرانی است که هم‌نوا با ما نفس می‌کشند. بدن - سوزه ما در طنین نقش چنین دوایر و حلقه‌های پویا و پرجنبش برهم‌تنیده بیناجسمانی و بینذهنی از آثار اولیه حیات، شکل می‌گیرند.

پنج سال پیش کارزار آب یخ، باعث شد ۲۲۰ میلیون دلار پول برای آگاهی، تشخیص و درمان بیماری «ا.ا.ا.اس» جمع شود و مضحکه‌ای از نمایش سلبریتی‌ها در جهان راه بیفتد، اما نه پولی که جمع‌آوری شد توانست تشخیص و درمان این بیماری را به نتیجه‌ای کارساز تبدیل کند و نه وجدان عمومی را آن‌چنان تحریک کرد تا حکومت‌های سرمایه‌داری را وادار به کوشش بیشتر برای تسریع همه‌جانبه برای پیداکردن علت و درمان بیماری کند. در این نظام‌ها بر اساس ایدئولوژی غالب، صرف پول برای تهیه سلاح مخرب در جهت نابودی انسان‌ها به درمان دردها و سود بر حل مسائل انسانی اولویت دارد. آلودگی هوا که سرتاسر نفس‌های ما را می‌برد و به انواع مریضی‌ها مبتلا می‌کند، یکی از نتایج عملکرد نظام‌هایی است که در آنها تولید بی‌رویه برای کسب سود و رقابت در جهت انباشت سرمایه، بیشتر از جان آدم‌ها ارزش دارد. اگر ویروس کرونا همدست با سایر عوامل دارد نفس‌های ما را می‌گیرد و ریتم کار ساقه مغز ما را آشفته می‌کند، نتیجه سوسو‌بهرپرداری از منابع طبیعی و حمله وحشیانه مخرب به آشیانه جانداران در محیط زیستشان، توسط صاحبان قدرت و ثروت در دنیای سرمایه‌داری است. حال نیز در دوران پساکرونا، شاهد سودجویی از راه فروش محصولات بهداشتی، تشخیصی درمانی، واکیسایشیون و سبک زندگی اجباری به‌جای بسیج برای انجام اقدامات مؤثر جمعی و مردمی برای حفظ جان مردم هستیم.

اگر این بار، برخلاف گذشته (چون نمونه واکسن ابولا) جنب‌وجوشی برای فوریت‌بخشیدن در ساخت واکسن‌های متعدد در کشورهای سرمایه‌داری مادر به وجود آمده، به این خاطر است که شیوع ویروس، رشته اقتدار تولید انبوه در کشورهای کلیدی سرمایه‌داری را به مخاطره انداخته و از طرف دیگر توزیع و مصرف واکسن را پر صرغه و پرسود کرده است. در این شرایط اگر حملات مرگ‌بار هراس (پانیک) لختی ما را رها کند تا گاه‌گاهی هم فرصت انتقا با اعتراضی در فواصل نفس‌بردن‌ها پیدا کنیم، مایه خوشبختی است.

به نظر می‌رسد در این شرایط آشفته جهانی، برای رهایی از نفس‌تنگی مرگ‌بار، در همه عرصه‌ها، به یک سنت‌شکنی (پارادیم شیفت) همه‌جانبه احتیاج داریم وگرنه این «جرحه شورش» که موجب احساس مرگ مکرر هنگام زندگی است، ما را رها نمی‌کند.

تلنگر

حرمت انسان را حفظ کنیم



• **سیدحسین موسوی‌چلک**
• **رئیس انجمن مددکاران اجتماعی ایران**

• جمعه داشتم اخبار ساعت ۲۲ شبکه سوم سیما را نگاه می‌کردم. گزارشی از کمک یک انسان خیر به یک خانواده زندانی تهیه شده و در حال پخش بود که تصویر فرزندان خانواده هم نمایش داده می‌شد... همین موضوع را مبنای این یادداشت قرار دادم و به اختصار از چند زاویه به آن می‌پردازم. اول: اینکه انسان‌هایی هستند که کار خیر برای دیگران انجام می‌دهند، این نشان‌دهنده مسئولیت‌پذیری آنان است و نشان می‌دهد که هنوز انسانیت نمرده و باید سپاسگزار چنین انسان‌هایی هم باشیم. دوم: رعایت حفظ آبروی این افراد مورد توجه قرار گیرد. اگر تاملی داشته باشیم بر نوع رفتار امام علی (ع) در دستگیری از مردم، خود راه را نشان می‌دهد که برای کمک‌کردن به نیازمندان چگونه باید عمل کرد. آن حضرت شبانه و در تاریکی به مردم کمک می‌کرد تا کمک‌گیرندگان هم مطلع نشوند که چه کسی به آنها کمک می‌کند، مردم هم متوجه این موضوع نشوند که آنان نیازمند و فقیر هستند. این شیوه رفتاری ایشان حامل این پیام است که حیثیت این افراد را باید حفظ کرد؛ موضوعی که در مددکاری اجتماعی به عنوان اصل «رازداری حرفه‌ای» از آن یاد می‌شود. من و شما حق نداریم به بهانه کمک‌کردن به همین راحتی چهره افراد را نشان دهیم. سوم: حفظ آبروی افراد در تمام اصول اخلاقی و انسانی مهم تلقی می‌شود. یکی از کارهایی که می‌توانیم برای حفظ آبروی این افراد انجام دهیم، این است که به گونه‌ای عمل کنیم که دیگران متوجه نشوند. اهمیت این رفتار به‌قدری است که خداوند در آیه ۲۷۱ سوره مبارکه بقره تأکید بر صدقه‌دادن پنهانی می‌کند. آنجا که می‌فرماید: «اگر صدقه‌ها را پنهانی به نیازمندان بدهید، بهتر است و گناهان شما آمرزیده می‌شود». ممکن است کسی به این اشاره کند که پس اتفاق چه می‌شود؟ تأکید شده است که اتفاق از جهت نحوه پرداخت می‌تواند آشکارا یا پنهانی باشد. اتفاق را گاهی باید آشکارا و گاهی پنهانی انجام داد. نکته‌ای در آیه بالا به آن اشاره کردم. شاید بهترین نوع اتفاق، اتفاقی است که به صورت مخفیانه و آن هم شبانه انجام شود. این نوع صدقه و اتفاق روش انمه علیهم‌السلام، مخصوصاً روش خاص امیرالمؤمنین در ماه مبارک رمضان است. اتفاق پنهانی و آن هم در پوششی از تاریکی شب، قطعاً به دور از خوندنایی و ربا بوده و وسیله ارزنده‌ای برای خودسازی است. از طرف دیگر با اتفاق پنهانی عرض آبروی مستمندان نیز محفوظ می‌ماند. چهارم: اینکه اگر خدمتی از روی نیکی برای دیگران انجام می‌دهیم، موجب نشود تا به نوعی زمینه آزارشان فراهم شود. گاهی اوقات اخباری می‌شنویم که فلان مسئول «سزده» به نیازمندان سرکشی کرد و... سؤال اینجاست اگر سزده رفته، پس آن به‌دلیل خیرت‌نگار و... از کجا خبردار شده‌اند؟ خاطرم هست در قسمتی از فیلم سینمایی مارمولک، مهران رجبی که نقشی در این فیلم ایفا می‌کرد، برای تبلیغات انتخاباتی خود برای آزادی زندانیان کاری می‌کرد تا بتواند در انتخابات از آن استفاده کند یا به فقرا کمک می‌کرد و عکس می‌گرفت. در واقع نویسنده فیلم‌نامه داشت می‌پایم را منتقل می‌کرد که این نوع کمک‌ها با نیت رضای خدا نیست. حتی در همین کمک‌های ارزنده‌ای که توسط مردم و نهادهای مختلف در شرایط کرونا به خانواده‌های نیازمند انجام می‌شود هم همین موضوع باید رعایت شود. با وقتی خنای‌های برای نیازمندی‌ها و عامل‌های مقابله شامل بیماری‌های واکیر، عامل‌های فشارآور به محیط زیست، داده‌های انتقال به مراکز درمانی، داده‌های آسیب‌های جاده‌ای، استاندارد خدمات پزشکی فوریتی، مراقبت‌های درمانی سربای و بستری، دسترسی به منابع دارویی دارای کیفیت و منابع فرهنگی، زبانی یا اداری مبنای رتبه‌بندی مخاطرات درمانی پیشاهمه‌گیری بوده است. بر اساس سنجش بهداشتی و عامل‌های مقابله شامل بیماری‌های واکیر، منفی کووید۱۹ بر کسب‌وکار نیز فقط انگشت‌شماری از کشورها در رده «خیلی کم» خطر قرار گرفتند. آن کشورها عبارت‌اند از تانزانیا، زلاندنو، نیکاراگوئه و سوابار.

در ضمن از این نظر، فقط یک کشور یعنی گرجستان، در رده بالاترین خطر قرار گرفت.

دور دنیا

دارد. کشورها را در این نقشه بر اساس مخاطرات درمانی پیشاهمه‌گیری هم ارزیابی کرده‌اند. بریتانیا، اروپای غربی، ایالات متحده، کانادا و آفریقای جنوبی از کشورهای هستند که کمترین خطر را دارند. ونزوئلا، نیجر، لیبی، سومالی، سودان جنوبی، اریتره، یمن، بوریکنافاسو، کپنه، سوریه، افغانستان و عراق، از این نظر از کشورهای دارای خطر بسیار بالا هستند. مجموعه‌ای از مخاطرات بهداشتی و عامل‌های مقابله شامل بیماری‌های واکیر، عامل‌های فشارآور به محیط زیست، داده‌های انتقال به مراکز درمانی، داده‌های آسیب‌های جاده‌ای، استاندارد خدمات پزشکی فوریتی، مراقبت‌های درمانی سربای و بستری، دسترسی به منابع دارویی دارای کیفیت و منابع فرهنگی، زبانی یا اداری مبنای رتبه‌بندی مخاطرات درمانی پیشاهمه‌گیری بوده است. بر اساس سنجش بهداشتی و عامل‌های مقابله شامل بیماری‌های واکیر، منفی کووید۱۹ بر کسب‌وکار نیز فقط انگشت‌شماری از کشورها در رده «خیلی کم» خطر قرار گرفتند. آن کشورها عبارت‌اند از تانزانیا، زلاندنو، نیکاراگوئه و سوابار.

در ضمن از این نظر، فقط یک کشور یعنی گرجستان، در رده بالاترین خطر قرار گرفت.

خطرناک‌ترین کشور

ایستنا:طبق اعلام سازمان اس‌اواس بین‌الملل که متخصص امور درمان و امنیت در جهان است، لیبی، سوریه و افغانستان ازجمله پرخطرترین کشورها هستند. این سازمان بر اساس تهدید ناشی از خشونت سیاسی (شامل تروریسم، شورش، ناآرامی‌های سیاسی و جنگ)، ناآرامی اجتماعی (شامل خشونت‌های جدایی‌طلبانه، قومیتی و اجتماعی) و خشونت و خرده‌جرایم، کشورها را بر اساس میزان خطرناکی، در پنج رده قرار داده است. به نوشته ایندپندنت، نیرومندی زیرساخت حمل‌ونقل، وضعیت روابط صنعتی، اثربخشی خدمات امنیتی و اضطرابی و آسیب‌پذیری کشورها در برابر بلایای طبیعی، ازجمله معیارهای رتبه‌بندی بوده است. کمترین میزان خطرناک‌بودن، تحت عنوان «ناچیز»، فقط به هفت کشور تعلق گرفت که همگی در اروپا قرار دارند. اخیراً کشورهای دیگر هم در رده «کم‌خطر» قرار گرفتند.

کشورهای قرارگرفته در رده هشدار که بالاترین خطر را دارند و موسوم به «بسیار» خطرناک هستند نیز عمدتاً در آفریقا یا خاورمیانه قرار دارند.

در کل ۱۴ کشور در رده «بسیار» خطرناک قرار دارند که عبارت‌اند از: افغانستان، یمن، سوریه، لیبی، مالی، سومالی، سودان جنوبی و جمهوری آفریقای مرکزی. به‌همراه بخش‌هایی از نیجریه، جمهوری دمکراتیک کنگو، اوکراین، پاکستان، عراق و مصر، طبق اعلام سازمان اس‌اواس بین‌الملل، مناطقی از یک کشور که در رده‌ای متفاوت با بقیه مناطق آن کشور قرار گرفته‌اند و میزان خطر در آنها با میزان «خطر کلی» در آن کشور فرق دارد، معمولاً به سطح متفاوتی از تهدیدات نیاز دارند.

تعریف کشور «بسیار» خطرناک از لحاظ امنیتی: مناطق زیادی از کشور در اختیار دولت نیست و نظم و قانون در این مناطق وجود ندارد یا حداقل است و خطراتی جدی وجود دارد. به همین دلیل مسافران و مأموران بین‌المللی، مورد حملات خشونت‌بار گروه‌های مسلح قرار می‌گیرند. خدمات دولتی و حمل‌ونقل خیلی کم است و بخش‌های بزرگی از این کشورها از دسترسی خارجی‌ها خارج هستند.

پس از افزایش شورش‌ها یا سیزه‌جویی‌ها، هم‌اکنون سطح امنیت بخشی یا کل بیش از ۵۵ درصد کشورهای آفریقا، در وضعیت «خطر» یا «بسیار» خطرناک قرار

پیشخوان

خاطرات سیاسی ویژه شجریان



• شماره دهم (پایز ۹۹) فصلنامه خاطرات سیاسی در ۱۱۶ صفحه منتشر شد. در سرمقاله این شماره علل و نتایج پرداختن به تاریخ شفاهی تبیین شده و سپس در راستای شناخت وضعیت اکنون ایران به درگذشت استاد شجریان، دکتر توسلی، دکتر فیرحی و ترور محسن فخری‌زاده اشاره شده است. پرونده اصلی این شماره به محمدرضا شجریان اختصاص یافته و به سوبه‌های اجتماعی و سیاسی هنر فاخر او از زبان عبدالحسین مختاباد، فریدون شهبازیان، ابراهیم بای‌سلامی و خود زنده‌یاد شجریان پرداخته شده است. در ادامه مقالاتی متنوع درباره خاطره‌نگاری و تاریخچه و مبانی علمی آن می‌خوانید: از جمله پادها و خاطره‌ها، از چشم دختر، بزرگ‌مردی از جنس جامعه‌شناسی، تیشه کرونا بر ریشه فقه سیاسی شیعه، داود فیرحی و مسئله قفل‌شدن دوره گذار در ایران، نگاهی به قرار و فرود تاریخ شفاهی در ایران، مروری بر کتاب نظریه تاریخ شفاهی، ایران و انتخابات آمریکا و همچنین گزارشی از مناظره احمد حکیمی‌پور و عبدالرضا داوری. فصلنامه خاطرات سیاسی با رویکردی تحلیلی، آموزشی و اطلاع‌رسانی می‌کوشد به توسعه دانش نوین تاریخ‌نگاری سیاسی در ایران یاری رساند.